

جستجوی زنان ایرانی برای برابری: تاریخچه، راهبردها و مطالبات

تاریخچه جنبش زنان ایرانی

جنبش حقوق زنان در ایران بیش از صدسال پیش آغاز شد. اولین صداها برای حقوق زنان در دهه اول ۱۹۰۰ طی دوران انقلاب مشروطه شنیده شد. زمانی که در کشاکش انقلاب زنان درگیر مشارکت های سیاسی زیرزمینی برای حمایت از حقوق زنان با هدف تقسیم فضای اجتماعی بودند. در آغاز، آنها مطالبات پایه ای مانند حق تحصیل داشتند زیرا بر این باور بودند که از طریق آموزش می توان شرایط زنان را ارتقا داد. به سرعت ساخت سازمان های مردم نهاد - مثل انجمن برای آزادی و اتحادیه مخفی زنان - پیگیری شد و زنان به حد کافی برای تاسیس اولین مدرسه ابتدایی دخترانه در ۱۹۰۷ توانمند شدند. پس از این قدم های آغازین، موج بزرگی از نشریات و گاهنامه های نوشته شده توسط زنان برای زنان وجود داشت. بسیاری از این بخش ها نارضایتی زنان از محدودیت های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی را بیان می کرد و آنها را به سوی ندای تغییر هدایت کرد. از آن پس جنبش حقوق زنان ایرانی پستی و بلندی های فراوانی را تجربه کرد.

به دنبال به قدرت رسیدن رضا شاه در ۱۹۲۶، دو سال بعد در ۱۹۲۸، مجلس قانون لباس جدید برای مردان مخصوصا مستخدمین دولت را تصویب کرد. در ۱۹۳۱ برای اولین بار، یک قانون مدنی جدید تصویب کرد که به زنان تحت شرایط خاص حق طلاق داد. علیرغم این حقیقت که قانون خانواده تحت ساختار قانون شریعت باقی ماند و سن ازدواج همچنان ۱۵ برای دختران و ۱۸ برای پسران بود. در ۱۹۳۶، کشف حجاب اجباری شد. در زمان سقوط رضا شاه و برخاستن جنبش دموکراتیک، سازمان های زن نهاد مستقل شکل گرفتند. سازمان های زن نهاد دیگری طی دهه ۱۹۴۰ و اوایل دهه ۱۹۵۰ برای ارتقای موقعیت زنان و همچنین نقد قاطعانه تعدد زوجات در جامعه به وجود آمدند. در ۱۹۶۲، زنان حق رای دادن و کاندیدا شدن را دارا شدند. در ۱۹۶۸، قانون حمایت از خانواده تصویب شد و در نتیجه آن، موارد طلاق به دادگاه های خانواده ارجاع داده شد، محدودیت هایی بر تعدد زوجات اعمال شد و موافقت کتبی همسر اول (بخشی از قانون که اکنون توسط دولت احمدی نژاد به چالش کشیده شده و قصد نقض آن را دارد) اجباری شد. همچنین سن قانونی ازدواج برای دختران به ۱۸ سال افزایش یافت. در ۱۹۷۵، زنان حق قیمومیت فرزندان پس از مرگ شوهر را به دست آوردند. طی دهه ۱۹۷۰، گفتمان نقش و جایگاه زنان در خانه و جامعه با محققان مذهبی جایگاه زن در چارچوب اسلامی را تعریف و باز تعریف می کردند، از حاشیه به متن آمد. در ۱۹۷۸، ۳۳٪ دانشجویان دانشگاه ها دختر بودند و دو میلیون زن در بخش رسمی اقتصاد فعالیت می کردند.

زنان در بسیاری از زمینه های جنبش در آغاز جنبش مردم در ۱۹۷۸ که به انقلاب ۱۹۷۹ منتهی شد، شرکت داشتند. مدت کوتاهی پس از تاسیس جمهوری اسلامی در ژانویه ۱۹۷۹، موج محدودیت های تحمیل شده بر زنان آغاز شد. اولین اقدام اجرای حجاب اجباری بود. سپس در مارس ۱۹۷۹، زنان از قاضی شدن منع شدند و در آوریل قانون حمایت از خانواده لغو شد. زنان یک تظاهرات توده ای را برای اعتراض به این تبعیضات قانونی سازماندهی کردند. این اقدام حمایت و همبستگی چندانی از نیروهای دموکراتیک جنبش در ایران دریافت نکرد. طی مدت کوتاه "بهار آزادی" موجود، ده ها مجله زنان منتشر و چندین سازمان زنان تاسیس شد.

انقلاب ۱۹۷۹ که به تغییرات مدنی، قانونی و فرهنگی بسیاری منجر شد، علیرغم موارد بسیاری که وضعیت زنان را بدتر کرد، به حضور بیشتر زنان در محیط عمومی منجر شد زیرا جامعه جدید اسلامی به اندازه کافی برای زنان خانواده های سنتی و مذهبی برای ترک خانه، آموزش دیدن و پیوستن به نیروی کار امن بود. این شرایط به قدری پررنگ بود که امروز بیش از ۶۰٪ دانشجویان دانشگاه ها زنان هستند. در این خلال، پس از انقلاب همه قوانین جدید به استثنای حق رای زنان، لغو شدند و محدود دستاوردهای زنان در باب قوانین سن قانونی، طلاق، ازدواج موقت و حبس باز پس گرفته شدند.

موج جدید جنبش زنان در حدود ده سال پیش در دوره اصلاحات و در زمان ریاست جمهوری محمد خاتمی آغاز شد. به تدریج گروه های مختلفی شکل گرفتند و طرح های بسیاری ریخته شد از جمله تلاش اخیر شناخته شده در جهان، کمپین یک میلیون امضا. در جریان انقلاب ۱۹۷۹، زنان در تظاهرات و انقلاب مشارکت فعال داشتند اما در تظاهرات ۲۰۰۹، آنها در یک جریان اعتراضی مختلط حضور یافتند. (در مقابل تظاهرات ۱۹۷۹ که زنان و مردان جدا بودند). زنان این بار نه تنها جسما حضور داشتند بلکه با تحلیل های جنسیتی و مطالبات مشخص به صحنه آمده بودند (۱ درخواست از کاندیداها برای اتخاذ موضع مشخص در مباحث زنان ۲) چاپ مجدد مقالات مشخص در زمینه ساخت هایی که به نابرابری منجر یا آن را افزایش می دهند. ۳) درخواست برای پیوستن ایران به ائتلاف حذف نابرابری علیه زنان (CEDAW)

روش های استفاده شده توسط زنان کنشگر در ایران

کار افقی: در سازمان ها و گروه های مختلف زنان، فعالان مکررا شیوه ها، تفکرات، رفتارهای سلسله مراتبی را به آزمون گذاشتند. مشاهده شد بسیاری در حال مشق کردن چیزی هستند که حالا به چالش کشیده شده است. تمرین قدرت می تواند بر مبنای سن، تجربه، سطح تحصیلات، موقعیت طبقه شهری و متوسط و نظیر آن انجام شود. به این دلیل است که کارگاه ها و بحث های گروهی نیازمند طرح دائم این موضوعات هستند.

تمرکز زدایی قدرت: همپوشانی تجربه ها و قدرت غیرمتمرکز معمولا همراه هم هستند. با حمایت از مسئولیت های تقسیم شده کنشگران تلاش می کنند منابع، دانش ها و تجربیات را به اشتراک بگذارند. دو قصد وجود دارد: (۱) ما به یکدیگر برای رشد و کسب مهارت های جدید کمک می کنیم و (۲) ما نقاط ضعف و اتکا به افراد معدود را که در سایه فشار گسترده دولتی و ناامنی اجتماعی نمی توانند همیشه حضور داشته باشند، کاهش می دهیم.

ارتقای خود آگاهی: دیدار چهره به چهره با زنان و مردان از گروه های مختلف، گوش دادن به عموم هنگام جمع آوری اطلاعات، ارتقای عکس العمل های عمومی همگی روش های بودند که نه تنها سیستم قانونی را به چالش می کشد بلکه به مواجه شدن روزانه با مردم و ارزشهای فرهنگی پدرسالارانه آنها کمک می کنند.

این سه ویژگی: به چالش کشیدن روش های کاری سلسله مراتبی، دیدار های چهره به چهره و ارتقای خودآگاهی جنبش را وادار می سازد نه تنها مطالبه تلقی برابر از قانون یا حاکمیت را داشته باشد بلکه رفتارهای شخصی را نیز به چالش می کشد و تلاش می کند تلقی برابر را در رویارویی ها تمرین کند. به علاوه با مستندسازی، نوشتن و مصاحبه کردن فعالان زنان پرنرنگ می شوند.

قوانین تبعیض آمیز مورد نظر فعالان حقوق زنان

قوانین تبعیض آمیز بسیاری در سیستم قانونی ایران وجود دارد. در قانون اساسی ایران، زن زمانی به عنوان شهروند محسوب می شود که مادر (متاهل) باشد و به طور کلی به عنوان شهروند درجه دوم تلقی می شود. بنابراین زن جایگاهی به عنوان فردی مستقل در هیچ یک از قوانین مشتق از قانون اساسی ندارد.

1) قوانین خانواده: طلاق، ازدواج، سن مسئولیت کیفری، تعدد زوجات:

طلاق: مرد می تواند هر وقت که مایل بود، همسرش را طلاق دهد. اگر مرد مجددا ازدواج کند، مدت مشخصی غایب باشد، با همسرش بد رفتاری کند به طوری که زندگی برای زن غیر قابل تحمل باشد یا مرد معتاد باشد، زن می تواند طلاق بخواهد. همچنین زن می تواند پس از اثبات اینکه یکی از موارد فوق روی داده و دادگاه در مرحله نهایی آن را تایید کرده باشد، به شخص سومی وکالت دهد تا برای طلاق اقدام کند.

ازدواج: با اجازه دادگاه پدر می تواند دخترش را حتی قبل از ۱۳ سالگی به یک مرد ۷۰ ساله شوهر دهد. نفقه زن (شامل مسکن، لباس، خوراک، وسایل خانه) در ادواج دائم به عهده شوهر است. این قانون به عنوان راهنما در تعیین نفقه هنگام طلاق استفاده می شود. اگر زنی وظایف زناشویی اش را بدون عذر موجه انجام ندهد، مستحق نفقه نیست.

ارث: پس از مرگ پدر و مادر، پسران دو برابر دختران ارث می برند. اگر مادر و پدر متوفی زنده باشند و از وی فرزند یا همسری به جا نمانده باشد، مادر یک سوم و پدر دو سوم ارث می برد. اگر خواهران و برادران تنها وراث باشند، سهم برادران دو برابر خواهران است. مرد از کلیه اموال زن ارث می برد درحالیکه زن تنها از اموال منقول و قیمت ابنیه و اشجار ارث می برد اما مالکیت این موارد و زمین را به ارث نمی برد حتی اگر همسرش در وصیت نامه چیز دیگری قید کرده باشد.

حضانة و ولایت فرزند: فرزندان تحت ولایت پدر و جد پدری و در غیاب ایشان، تحت قیمومیت دادگاه هستند (ولایت هرگز به مادر نمی رسد). این بدان معناست که مادر یک کودک نمی تواند مجوز جراحی فرزندش را امضا کند یا مسئولیت امور مالی وی را عهده دار شود، حتی اگر پدر خودش تقاضا کرده باشد. مادر نمی تواند بدون امضای همسرش برای فرزند خود حساب باز کند، وام بگیرد یا خانه ای بخرد.

تعدد زوجات: مردان می توانند چهار زن عقدی (دائم) و بی نهایت زن صیغه ای (موقت) داشته باشند. این مورد قانونی در پیروی از شریعت وضع شده است.

(2) قوانین کیفری: سن مسئولیت کیفری، حجاب اجباری، دیه، قوانین حامی قتل های ناموسی:

سن مسئولیت کیفری: برای دختران ۹ سال قمری (۸ سال و نه ماه شمسی) و برای پسران ۱۵ سال قمری (۱۴ سال و ۶ ماه) است. بنابراین اگر دختری ۹ ساله مرتکب جرم شود با او مانند یک شخص بالغ رفتار شده و کلیه مجازات ها - حتی اعدام - علیه وی اجرا می شود.

حجاب اجباری: همه زنان - فارغ از دین آنها - مجبور به پیروی از قانون سختگیرانه پوشش اسلامی هستند به طوری که تمام موی آنها باید پوشیده باشد - در برخی اماکن عمومی چادر مشکی الزامی است - و پوشیدن لباس گشاد به نحوی که اندام آنها را پنهان کند و تنها مجاز به نشان دادن گردی صورت، مچ دست و پا به پایین هستند.

دیه/خون بها: در قانون ایران، زندگی یک زن، نصف یک مرد ارزش دارد. برای مثال اگر پای خواهر و برادری در یک تصادف اتومبیل بشکند، خسارتی که برادر دریافت می کند، دوبرابر خواهرش است. این قانون در سال ۲۰۰۸، برای شرکت های بیمه تغییر کرد بطوریکه امروز خسارت های یکسان فارغ از جنسیت توسط این شرکت ها پرداخت می شود.

قوانین حامی قتل های ناموسی: قانونی که به مرد اجازه می دهد همسرش را بکشد هرگاه او را همبستر با مرد دیگری ببیند، بدون اینکه مجازات شود. این قانون مردان (مثلا پدر) را مجاز به قتل زنان (مثلا دختر) می داند تنها برا این اساس که به ایشان شک دارند.

(3) قوانین مدنی: تابعیت، شرط موافقت پدر برای ازدواج، حق سفر، حق انتخاب محل کار و حق تحصیل، شهادت در دادگاه:

تابعیت/ملیت: این افراد ایرانی هستند: کسانی که در ایران متولد شدند یا پدرشان ایرانی است. حق شهروندی یک مادر به فرزندش منتقل نمی شود حتی اگر فرزند در ایران از پدری غیر ایرانی متولد شود (مثلا یک پدر افغانی).

موافقت پدر برای ازدواج: در هر سن و موقعیت اجتماعی و آموزشی، دختران برای ازدواج به موافقت کتبی پدر نیاز دارند.

حق سفر: در هر سن و جایگاه اجتماعی و آموزشی، زنان برای خروج از مرزهای ایران به موافقت کتبی همسر نیاز دارند. مرد می تواند به خواست خود، بدون اطلاع همسرش وی را از سفر منع نماید. (تنها اطلاع دادن به اداره گذرنامه کافی است).

حق کار و تحصیل: پدر یا شوهر، می تواند به تحصیل یا اشتغال دختر یا همسرش پایان دهد. یک قانون که اخیرا تصویب شده تصریح می کند که زنان و دختران برای تحصیل در غیر محل سکونت خویش، باید اجازه کتبی پدر یا همسر را داشته باشند.

حق شهادت در دادگاه: شهادت دو زن در دادگاه مساوی شهادت یک مرد تلقی می شود. زنان در برخی جرائم مانند لواط، همجنسگرایی و فحشا حق شهادت ندارند.

4) دیگر قوانین تبعیض آمیز:

شرط رجل سیاسی: مرد بودن به عنوان شرطی برای حضور در سیاست به نظر می رسد. زنان نمی توانند رئیس جمهور کشور شوند.

قوانین امنیت اجتماعی: حتی اگر زن حق بیمه مساوی با مرد بپردازد، فرزندان نمی توانند از حقوق بازنشستگی و خدمات درمانی وی استفاده کنند.

سنگسار یک تنبیه وحشتناک است: قانون تجویزی برای خیانت است. معمولا در مورد زنان استفاده می شود. مرد می تواند ادعا کند با زنی که با او رابطه دارد، ازدواج موقت کرده است.

تقریبا هر سال هنگام بهار و مخصوصا امسال در آستانه سالگرد انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۹ (۱۳۸۸)، فشار روی زنان افزایش یافته است. از جمله قوانین سختگیرانه تر در زمینه حجاب که تاکتیک حکومت برای نمایش قدرت و آلوده کردن افکار مردم به اینکه حجاب نا مناسب منشا اعمال زیان آور و نشانه گستاخی زنان است.

کانون های تمرکز گروه های حقوق زنان ایرانی

- سازمان های دولتی بر روی آموزش عموم با قانون فعلی بدون حق هیچگونه انتقادی تمرکز کرده اند. آنها به خشونت هایی که زنان روزانه در خیابان ها با آن مواجه می شوند، اشاره ای نمی کنند. اکثر این گروه ها قوانین را همانگونه که هستند، بدون چالش برای تغییر آنها دنبال می کنند.
- گروه های مذهبی و بشردوست با تمرکز بر اسکان زنان، آموزش زنان درباره سلامت و برنامه ریزی خانواده، تدارک دیدن فرصت ها مجموعه مهارت های جدید را ارتقا می دهند و منابع درآمدزا پیدا می کنند.
- زنان مستقل و تحصیل کرده تلاش می کنند زنان دیگر را با هدف کمک به یکدیگر و پیشرفت در برنامه های پشتیبانی فردی، در جریان مواد قانونی قرار دهند. برای مثال حقوقدان هایی مانند شیرین عبادی و مهرانگیز کار مقالاتی درباره این موضوعات نوشته اند.
- تمرکز روی تغییر قوانین با افزایش آگاهی، سازماندهی فعالان در سطح توده ای و مطالبه تغییر در ساختاری های غالب. این منجر به تولد کمپین یک میلیون امضا شد.

لینک:

<http://www.we-change.org/english/>

<http://www.irangenderequality.com/>

<http://feministschool.org/english/>

<http://movementwatch.com/>

<http://www.irwomen.info/spip.php?rubrique19>

شعار/مطالبات:

* حقوق زن = حقوق بشر

* ایران باید به ائتلاف حذف نابرابری علیه زنان ملحق شود

* تمام خشونت های اجتماعی را متوقف کنید

* فرصت برابر برای زنان

* زنان نیمی از جمعیت، کمتر از نیمی از حقوق

* برابری جنسیتی و آزادی برای ایران

منبع:

The Iranian Women's Quest for Equality: History, Strategies, & Demands



© PICTAL ABILITY

